



## اخبار

## در هفته دولت تعداد ۵۲ پروژه شرکت گاز استان گلستان افتتاح و یا کلنگ زنی می شود



شرکت گاز استان گلستان در ادامه روند خدمت رسانی و توسعه گاز رسانی در استان به مناسبت هفته دولت یاد و خاطره شهیدان رجائی و باهنر تعداد ۵۲ پروژه را در برنامه افتتاح و کلنگ زنی دارد.

به گزارش روابط عمومی در همین راستامهندس سنگدوینی مدیرعامل شرکت گاز استان گلستان ضمن عرض تبریک حلول ماه مبارک رمضان وگرامیداشت هفته دولت گفت: همزمان با آغاز هفته دولت شرکت گاز گلستان تعداد ۵۱ پروژه گاز رسانی روستائی را با هزینه ای در حدود ۱۲۰ میلیارد ریال مورد بهره برداری و کلنگ زنی قرار میدهد که از این تعداد ۲۱ پروژه را با هزینه ای در حدود ۸۸ میلیارد ریال افتتاح می کند که ۲۳ هزار و ۵۰۰ نفر از مردم شریف استان از نعمت گاز بهره مند می شوند. وی همچنین گفت: تعداد ۳۰ پروژه روستائی دیگر نیز کلنگ زنی می شود که برای اجرای عملیات گاز رسانی این پروژه ها بالغ بر ۳۱ میلیارد ریال بر آورد هزینه شده است که پس از اتمام و افتتاح آنها بالغ بر ۱۶ هزار نفر مشترک گاز می شوند . سنگدوینی در ادامه افزود : در این ایام مبارک پروژه ساختمانی اداره مرکزی شرکت که در محل سایت اداری واقع شده است نیز در برنامه افتتاح قرار دارد که برای ساخت و تجهیز آن بالغ بر ۴۵ میلیارد ریال هزینه شده است. مدیرعامل شرکت گاز استان گلستان تصریح کرد: همه این خدمات از برکات نظام مقدس جمهوری و دولت خدمتگزار می باشد که امیدواریم مورد قبول در گاه احدید ومردم شریف و شهید پرور استان قرار گیرد .

## در راستای اصلاح الگوی مصرف: دو دستگاه سنجش نیاز آبی در شبکه آبیاری و زهکشی گلستان نصب و راه اندازی شد.

مدیر عامل شرکت آب منطقه ای گلستان گفت: در راستای اصلاح الگوی مصرف دو دستگاه "دیتالگر" جهت سنجش نیاز آبی گیاهان در شبکه آبیاری و زهکشی گلستان نصب و راه اندازی شد.

مهندس «ادعلی حاجیلری» در گفتگو با پایگاه خبری آب گلستان،افزود:این اقدام برای اولین بار در استان و با هدف بهینه سازی مدیریت مصرف آب انجام شده است. به گفته وی، دستگاه دیتالگر با دریافت اطلاعات پارامترهای مختلف اقلیمی مانند میزان بارندگی، دما و رطوبت هوا، ساعات آفتابی، سرعت وزش باد و رطوبت خاک، میزان نیاز آبی گیاه را در زمان های متفاوت محاسبه و به مرکز جهت اتخاذ تصمیمات مدیریتی منبایره می کند.

حاجیلری با بیان اینکه این دستگاه زمان و مدت بهینه آبیاری را برای گیاه تعیین می کند، تصریح کرد: دیتالگر علی رغم کاهش مصرف آب موجب بالا بردن میزان محصول نیز می شود. مدیرعامل شرکت آب منطقه ای گلستان یادآور شد: این دستگاه امکان پیش بینی و تشخیص آفات در زمان مناسب را مسیر نموده و از بروز خسارت جلوگیری می نماید.

## حرکت انسان دوستانه کارکنان اداره امور شعب بانک ملی استان گلستان

کارکنان ستادی اداره امور شعب بانک ملی استان گلستان در اقدامی خیرخواهانه و خدایپسندانه مقداری از خون خود را به نیازمندان اهدا کردند. به گزارش روابط عمومی بانک ملی با استقرار پایگاه سیار انتقال خون در محل اداره امور شعب بانک ملی استان، کارکنان این اداره امور، در حرکتی انسان دوستانه ۱۵۳۰۰ سی سی از خون خود را برای نجات بیماران و نیازمندان اهدا نمودند.

## دوره آموزشی راههای پیشگیری از گسترش بیماری آنفلوآنزا نوع A در بهزیستی گلستان

این دوره آموزشی ۲۸ مرداد در سالن اجتماعات سازمان بهزیستی گلستان و با حضورمدیرکل، معاونین، کارمندان، نمایندگان مراکز خصوصی و موسسات خیریه که در بخش بهزیستی بصورت شبانه روزی و روزانه فعالیت می نمایند، برگزار شد.مدیر کل بهزیستی گلستان گفت: هدف از برگزاری این دوره، اطلاع رسانی به پرسنل و جمعیت، هدف سازمان در خصوص آشنایی با راهکارهای پیشگیری از این بیماری و به کارگیری توصیه های ارائه شده توسط پرسنل سازمان و ارائه به سایر همکاران است. در این دوره دکتر صدافت- مسئول بیماریهای واکیر معاونت بهداشتی استان گفت: مهم ترین راه پیشگیری از بیماری آنفلوآنزا نوع A، آشنایی با راههای انتقال آن و به کار بستن اقدامات لازم از جمله محدود نمودن تماسهای نزدیک در موارد مشکوک(کمتر از ۱/۸ متر) و استفاده از دستمال هنگام سرافه و عطسه، شستشوی مکرر دست با آب و صابون مایع می باشد.

سرصلص های ارائه شده در این دوره آموزشی:

- آشنایی با ساختار ویروس و انواع آن
- راههای انتقال ویروس و پیشگیری از آن
- تعاریف و اصطلاحات مربوط به این بیماری از طریق ایزوله کردن رئیس سازمان جهاد کشاورزی گلستان:مطالبات استان در بخش کشاورزی از دولت دریافت نشده است

## رئیس سازمان جهاد کشاورزی استان گلستان حق و حقوق و مطالبات استان از دولت کاملا دریافت نشده است

رئیس سازمان جاد کشاورزی استان گلستان با اشاره به جایگاه ویژه استان در بخش تولیدات کشاورزی دامی و آبزیان گفت: متأسفانه حق و حقوق و مطالبات استان با توجه به حجم تولیدات بالا از دولت کاملا دریافت نشده است. به گزارش خبرنگارایرنا، رمضانعلی جعفری در جلسه شورای اداری شهرستان اژدهشهر افزود: استان گلستان در بخش های تولیدات گندم، دانه روغنی، استحصال خواربار و تولید و تکثیر ماهیان استخوانی در کشور رتبه اول را به خود اختصاص داده است.

به گفته وی، استان گلستان از نظر وسعت از برخی استانهای کشور کمتر است ولی از نظر تولیدات بخش کشاورزی در حد و اندازه استانهای دیگر می باشد به همین خاطر دولت باید حق و حقوق استان گلستان را در حد و اندازه استانهای دیگر پرداخت نمایند. رئیس سازمان جهاد کشاورزی استان گلستان در عین حال با اشاره به کمک دولت به بخش کشاورزی در سال جاری گفت: دولت از ابتدای سال جاری تا کنون در بخش خرید محصولات استراتژیک نظیر گندم، جو، سیب زمینی و کلزا کمک ها و خدمات چشمگیری برای کشاورزان استان گلستان اختصاص داده است.

## — دیدار —

با لباس میدل وارد شهر رشت شد، اولین بار بود که به این شهر می‌آمدم، ترس در دلم سایه افکنده بود، مضطرب بودم، یکه و تنها در شهری غریب، اگر شناخته شوم چه خواهد شد! چهره و قیافه ام با آن‌ها فرق می‌کرد، چشم و ابرو منشکی و سبزه رو، بر خلاف اهالی گیلان که اکثراً رنگ پوستشان روشن بود، به خودم می‌گفتم: «درست است که لباسم را عوض کردم، ولی قیافه ام که نمی‌شود عوض کرد!»!

با توجه به ضعف حکومت مرکزی مسائلی ناخواسته بین ترکمن ها و غیر ترکمن ها پیش آمده بود و عده ای فرصت طلب از هر دو سوی در مواقعی به همدیگر یورش برده و باعث خسارات و گاهام منجر به کشتار و یا اسارت از دو طرف می شدند، و به همین دلیل ممکن بود عده ای با پی بردن به اصلیت در صدد انتقامجویی بی مورد برپاییند. مضطرب و نگران با حرکتی لرازان و نا متعالد که انگار سایرین متوجه من هستند، به مقصدی نا مشخص فقط جهت دیدن شهری بزرگ از طریق دریا، یعنی از کمیشان به بندر انزلی آمده و از راه زمینی از انزلی به رشت آمده بودم. روح جستجو گر من برای دیدن جاهای تازه با این حرف‌ها کاری نداشت و پا به این شهر گذاشته بودم

به پل وسط شهر که به پل ابراق معروف بود، رسیدم. پل بسیار طولبی بود، از ترس این که اگر شناخته شوم چه خواهد شد، گرمای محسوسی تم را در بر گرفته بود، آخر فکر می کنم اولین ترکمنی باشم که وارد این شهر می شدم، همراهام در کشتی اصرار داشتند که در انزلی بمانم بدون توجه به تمناى آنان تنهاى به سوى رشت حرکت کرده بودم ، نمی‌دانستم نظر و دید اهالی این شهر نسبت به ترکمنان چیست؟ از ترکمنان چه چیزی می‌دانند، ولی اهالی انزلی ترکمن ها را خیلی خوب می‌شناختند و سال‌های سال با هم مرآوده داشتند، به جای تماشای شهر زیبای رشت و جاهای دیدنی آن در این افکار گم شده بودم، که در یک آن، نگاه زنی که از کنار می گذشت، نظرم را جلب کرد. ترسم دو چندان شد. زنی با لباس زیبای محلی، در حالی که از من دور می شد، دائم بر می گشت به من نگاه می کرد! سعی کردم خونسردی خودم را حفظ کنم، وانمود کردم که توجه ای به او ندارم. به راهم ادامه دادم، قدم هایم را تند کردم تا هر چه زود تر از آن محل و زن دور شوم.

خدا!اگر او به ترکمن بودن من پی برده باشد، چه خواهد شد! با کمال تعجب مشاهده کردم که آن زن توقف کرده و برگشته به من نگاه می کند، دلوره ام بیشتر شده بود. به خود گفتم که خدرد! دیگر کارت تمام است. آن زن ترا شناخته و هر آن فریاد خواهد کشید که ای مردم!این مرد یک ترکمن است، از همان ترکمنان غارت گر! حالت راه رفتن را تندرتر کردم، دیدم که زن برگشته به دنبال می آید، به تندی شروع به کردم، شاید به حالت نیمه دوییدن، زن نیز شروع به دویدن کرد، به انتهای پل رسیده بودم که ناگهان، زن با فریادی بلند، خود را به زیر پاهای من انداخت و پاچه شلوارم را دمکمم با دو دستش گرفت و با صدای بلند فریاد زد: ای مردم ...! ای مردم... بیایید... بیایید این همان مرد است! این همان مرد است! که من و چند بخت برگشته دیگر را یازده سال پیش از دست رهازان نجات داد!».

با شنیدن کلمه نجات، احساس راحتی کردم، بدنم از حالت گرفتگی عضلات و انقباض به حالت انبساط درآمد، خفگی که تا آن زمان مانم نمی‌داد از بین رفت و احساس آرامش به من داد. زن هم چنان گریه می کرد و فریاد می زد:« این همان فرشته نجات رهازان نجات داد!».

## دیدن حادثه ای دلخراش ضمن آشفتن اذهان می تواند تا روزها و هفته ها انسان را افسرده کند. این گزارش قصه ای تلخ است از یک حادثه انفجار که منجر به مرگ شد.

ساعت ۱۶:۵ صبح روز شنبه ۸۸/۵/۱۷ انفجاری مهیب در خیابان ... بندرترکمن ساختمانهای اطراف را بشندت می لرزاند. طولی نمی کشد ساکتین خانه های اطراف گیج و خواب آلود به بیرون از منازل خود هجوم می آورند. در ابتدا به نظر می رسید زمین لرزه ای با ریشتر بالا به وقوع پیوسته باشد اما حقیقت چیز دیگری بود. به محل حادثه که می رسیم اندامها سست می شود. سقف خانه فرو ریخته بود- یکی از پنجره ها از دیوار جدا و به بیرون پرت شده است- بیشتر وسائل خانه از بین رفته بود. دیگر همکاران پیدا می کنیم که این انفجار ناشی از شست گاز بوده است. صدای خفه ی زنی از زیر آوار به گوش می رسد(( سوختم – سوختم. زیر آوار بیرون می آورند. مریم (زن مصدوم) بد جوری سوخته بود به طوری که بخش های زیادی از پوست بدنش در اثر این سوختگی کش آمده و چروک خورده بود.

درست چند دقیقه بعد نیروهای اورژانس- شرکت گاز -اداره برق- آتش نشانی و پرسنل انتظامی که در گشت بسر می بردن از راه می رسند. مریم با اورژانس به بیمارستان منتقل می شود. این طور که زن همسایه تعریف می کند: پرستانان بخش، پوست های آویزان او را بدون بیهوشی با قیچی چیده و به

وی سرم وصل می کنند. دیدن چهره سوخته مریم با

# داستان ناوهای گمیشان (۷)

## براساس خاطراتی از خدر خزین؛ تاجر بین المللی کمیشانی

من است، این بود که ما را به خانه و کاشانه مان برگرداند، آرزوی دیدن او را داشتم و حالا به آرزویم رسیدم...»

مردم دور ما دو نفر جمع شده بودند، چند نفری نزدیک‌تر آمدند. زن به دو نفر که خیلی نزدیک آمده بود، گفت: «برادران عزیزم، این همان مردی است که مرا یازده سال پیش نجات داد!» آن دو نفر با روئی خندان مرا در آغوش گرفتند، مردم اطراف هم از خوشحالی و به یمن این برخورد کفی محکم از تشکر برای من زدند، و برادران آن زن مرا به خانه برده و پذیرایی مفصلی از من کردند و چند روزی هم مهمان آنان در رشت بودم.



پل ابراق رشت - ۱۳۰۰ شمسی

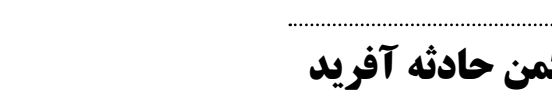
ماجرای این زن از این قرار بود که، پدر من شاید معروفترین تاجر منطقه ترکمن صحرا بود و از کمیشان به شهرهای ساحلی از جمله : بندرانزلی، رودسر، و شهرهای خارجی، باکو و آستاراخان روسیه در رفت و آمد بود و با کشتی های ۳۰ تنی کالا صادر و وارد می‌کرد، حتی مردم روسیه به پدر من «خوزئین»۲ می‌گفتند:« من مسئول صادرات و واردات بودم و شخصاً کشتی را به همراه چند تفنگچی سرپرستی کرده به شهرهای یاد شده فوق می‌رفتم، تقریباً اواخر حکومت قاجاریه بود، اوضاع کشتور برآشفته و حکومت مرکزی ضعیف بود، در تمام نواحی ایران آشوب و بلوا حاکم بود، مردم امنیت کافی نداشتند، مشکل مادی و اقتصادی داشتند، ازراق عمومی کم و گران بود، گروهی نیز دو نقاط مختلف ایران به غارت مسافزین و مردم روستاها می‌پرداختند، منفرقه ترکمن صحرا نیز چنین شرایط را داشت.

یک روز صبح که در کنار دریا مشغول باقری می‌کشتی بودم، دیدم که رهازان از حمله شب قبل به یکی از روستاهای مازندران، چند زن و دخترچه را اسیر گرفته و در گوشه ای نشانده بودند، خودشان نیز سرگرم تدارک حمل غنایم به کشتی خودشان بودند ، نگاه کنجکاوانه به اسرای آن‌ها که دو زن در حدود سی الی سی و پنج ساله و شش دختر بچه بین هشت تا دوازده ساله بودند کردم، از وحشت حمله شب قبل و سوز سرمای صبح پاییزی که با من تم باران همراه بود، لرزان با پاهای برهنه بر روی علف های خیس ساحل نشسته بودند، به خصوص دختر بچه های بی سن و سال وحشتشان بیشتر بود، دایم گریان به روستافشان نگاه می‌کردند، در آن زمان من بیست و دو سالم بود، به یاد خواهر ده ساله ام «صفرگل» افتادم، که چگونگی او با بازی می‌کردم، دوستش داشتم و برایش عروسک از مسافرت ها می آوردم، دلم می‌خواست که همیشه خوشبخت باشد، آن وقت او را به جای اسرای خردسال گذاشتم، دلم به حالشان سوخت. دیدن حالت غمگین دختر بچه‌ها، دلم را زنجاند، فکر نجات آن‌ها به سرم زد. البته از راه مسالمت آمیز، چون اگر با رهازان در گیر می‌شدم، بعدها برایم مشکل ساز می‌شدند، پیش سرکرده رهازان رفتم و از او راجع به سرنوشت اسرا ستوالاتی کردم، فهمیدم که قصد بردن به خبیوه را دارد، پرسیدم که در خبیوه آن‌ها را به چه قیمتی خواهی فروخت؟ گفت: «زنها ۵۰ تومان و دختر بچه ها ۳۰ تومان»۳ گفتم:« این با باعث دردسر شما خواهد شد، راه دور است و شاید هم بر اثر ناراحتی، و رنجوری از بین بروند و چیزی دستگیرتان

## انفجار مهیب در بندرترکمن حادثه آفرید

بلک های نیمه بازش که از شدت درد ناله می کرد، ذهن زن همسایه را نیز سخت آشفته کرده بود. این را می توان از واگویی هایش فهمید. شدت سوختگی ۵۰ درصد

- ۱- اهالی رشت به منطقه و مردمان شرق خودشان «ابراق» می‌گفتند وچون این پل در قسمت شرقی شهر قرار داشت به پل ابراق معروف شده بود.
- ۲- ارباب- مالک- صاحب
- ۳- در آن زمان حقوق یک نظامی تقریباً ۵۰ تومان در ماه بوده است.
- ۴- یکی از شهرا و بنادر مهم در آن زمان مازندران بود، در حال حاضر از شهرهای استان گلستان است.



که در همسایگی او زندگی می کنیم بسیار دردآور بود. پرسنل اداره آگاهی بعد از گذشت این ۶ روز، بررسی از محل حادثه و بازجویی از همسایگان را آغاز می کنند تا به علل اصلی آن که آیا سهوی یا عمدی بوده است، برسند.

برای بار دیگر سری به خانه مریم می زنم. غم دلم را فر ا می گیرد. باور کردنش سخت است. نمی دانم وقتی بدبختی و فاجعه می آید، چرا یکدفعه هجوم می آورد طوری که هیچ راه حلی باقی نمی ماند.

لحظات به سرعت سپری می شود. به خانه برمی گردم. صفحات تقویم را به عقب ورق می زنم. می رسم به روز هفدهم: روزی که برای من و خانواده یایی نماید. رئیس کلانتری پس از حضور در محل دائم وقتی بدبختی و فاجعه می آید، چرا یکدفعه هجوم می آورد طوری که هیچ راه حلی باقی نمی ماند.

لحظات به سرعت سپری می شود. به خانه برمی گردم. صفحات تقویم را به عقب ورق می زنم. می رسم به روز هفدهم: روزی که برای من و خانواده ام آیینت خاتمه ای تلخ بود. روزی که از آن به بعد همسایگان نیز مثل ما با دیدن پوست کش آمده و چروک خورده مریم تا چند روز افسرده شدند، کابوس دیدند. کابوسی که هنوز هم در بیداری ادامه دارد.

✽ **خلیل رستگار- بندرترکمن**



آدرس : گرگان – چهارراه میدان – خ. سراجوخه – بازار بزرگ موبایل (پاداش) طبقه اول / واحد یک / تلفن ۲۲۵۵۱۴۴ – ۰۱۷۱ کد پستی: ۹۹۷۵۵ – ۴۹۱۸۶ پست الکترونیک : sahra\_gazeti@yahoo.com چاپ : گرگان – مخطومثلی فراغی

## اخبار

### مدیرعامل شرکت آیسان گلستان:

### حمایت مسئولان موجب افزایش اشتغال واحدهای تولیدی می شود

مدیرعامل شرکت آیسان گلستان در بازدید خیرنگاران مطبوعات و رسانه های گلستانی از این واحد به مناسبت روز خیرنگار گفت: با حمایت و پشتیبانی مسئولان و دست اندرکاران بخش صنعت و معدن استان و توسعه خطوط تولید واحدهای صنعتی، شاهد افزایش اشتغال در استان خواهیم بود.

به گزارش روابط عمومی سازمان صنایع و معادن گلستان و به نقل از «علی گراوند» واحد تولیدی آیسان گلستان در حال حاضر روزانه ظرفیت دریاقت حدود پنج تن شیر را دارد که با راه اندازی خطوط دیگر تولید آن تا ۱۰ تن شیر دریاقت می شود و به تبع آن تعدادی افراد جوانی کار استان مشغول به کار خواهند شد.گراوند مساحت این واحد را پنج هزار و ۲۰۰ مترمربع و زیربنای آن سه هزار مترمربع اعلام کرد و گفت: برای توسعه این واحد صنعتی مشکلی وجود ندارد و تنها به حمایت مسئولان نیازمند هستیم. گراوند اظهار داشت: این شرکت ۲۴ تا ۳۰ هزار عدد در روز ۱۲ نوع بستنی را از قبیل دل تول، مرد عنکبوتی، قیفی زعفرانی، وانیلی و لبتی، حصیری و غیره در شهرک صنعتی گرگان ۳(حیدر آباد) تولید می کند.

مسئول روابط عمومی سازمان صنایع و معادن گلستان در ادامه این بازدید از نشریات استان درخواست کرد مردم استان را به استفاده از محصولات تولیدی استان تشویق نمایند.

حیدررضا قدوسی افزود، در صورتی که مردم استان به استفاده از محصولاتی که در استان تولید می شود، روی آوردند قطعاً شاهد رشد و شکوفایی هر چه بیشتر واحدهای صنعتی استان خواهیم بود.

وی همچنین اضافه کرد: رشد و توسعه صنعتی بر اقتصاد استان تأثیر مستقیم داشته و در نهایت با کاهش نرخ بیکاری به رفح سایر مضضلات اجتماعی کمک خواهد نمود.

### مدیر درمان سازمان تامین اجتماعی گلستان:

## کاهش اختلاف تعرفه ها، راه حل جذب پزشکان در تامین اجتماعی است

مدیر درمان سازمان تامین اجتماعی گلستان با اشاره به اختلاف تعرفه های بخش خصوصی و دولتی گفت: کاهش اختلاف تعرفه ها، راه حل جذب پزشکان در تامین اجتماعی است. دکتر احد نصرتی در گفت و گو با خبرنگار ایرنا افزود: رفغ این مشکل به طور موقت می توان از راهکارهایی نظیر اختصاص k ترجیحی به استان و انعقاد قرارداد با بیمه های مکمل بهره برد.

وی با بیان اینکه فعالیتهای سازمان تامین اجتماعی مشتمل بر سه بخش بیمه ای، سرمایه گذاری و بخش درمان است تصریح کرد: وظیفه بخش درمان، حفظ و ارتقاء سطح سلامت بیمه شدگان است که در این راستا، تولید خدمات باکیفیت درمانی و خرید خدمات درمانی از سایر بخشهای دولتی و خصوصی و جمله اهداف این سازمان در بخش خدمات رسانی به بیماران است.دکتر نصرتی در همین زمینه با اشاره به فعالیت های مراکز درمانی تامین اجتماعی در استان خنجر نشان کرد: راه اندازی تریاز بیمارستان حکیم جرجانی گرگان(محلی است که بیماران اورژانسی و غیراورژانسی تفکیک می شوند) عامل مهمی در کاهش مراجعات به اورژانس این مرکز بوده است.وی همچنین از شبانه روزی شدن پلی کلینیک امام خمینی(ره) در گرگان در آینده نزدیک خبر داد و خاطرنشان کرد:این کار با مراجعه به بخش سرپایی بیمارستان حکیم جرجانی گرگان تا حدود زیادی کاهش می یابد.هم اینکه دو بیمارستان منتقل به سازمان تامین اجتماعی گلستان(حکیم جرجانی و خاتم الانبیا) با ۳۰۰ تخت فعال و نیز یک پلی کلینیک و یک درمانگاه دندانپزشکی در گرگان و چهار درمانگاه در دیگر شهرهای استان در حال ارائه خدمات به بیمه شدگان این سازمان است.

### ✽ زن سال

## نگارید جو نیز به سرنوشت پنبه دچار شود

در سال زراعی گذشته با توجه به افزایش سطح زیر کشت جو در مزارع استان و بارندگی به موقع و مناسب و زحمات کشاورزان سال پربوفتی برای دهقانان بعد از چند سال خشک سالی بود. اما صد افسوس که اسسال جو در استان و چس با سایر نقاط کشور نیز خریدار ندارد.البته در گرمگرم دور دولت خرید برای سرنوشت قیمتی ۲۷۰۰ ریال اعلام کرد و از طریق تعاونی های روستایی شروع به خریدن جو نموده اند. اما همان طور که گفته شد فراوانی محصول جو مسئولان را غافلگیر نموده و خیلی زود انبارهای تعاونی پر شده اند. و از خرید و تحویل گرفتن محصول کشاورزان امتناع نموده اند این در حالی است که بهخاطر شلوغی و صف های طویل جلو انبارها کرایه حمل و نقل به طور سرسام آوری افزایش یافت و از طرفی بعضی از مسئولان انبارها نیز به بهانه مختلف از جمله نداشتن کارگر جهت تخلیه و عدم مرغوبیت و غیره از تحویل گرفتن آن امتناع می نموده اند که در این بین کشاورز مجبور بود با پرداخت کرایه دو برابر کامیون را به تعاونی دیگری هدایت نماید که شاید آن تعاونی بدون بهانه جو را تحویل بگیرد که این خود موجب سرگردانی بسیار برای کشاورز و راننده کامیون ایجاد می نمود به طوری که بعضاً مدت ۳ روز در صف معطل بودند و این خود به خود هزینه ها را افزایش می داد.

به هر حال پس از چند روز به قول مسئولان شرکت ها و انبارها،انبارها پر شده اند و از خرید جو خودداری نموده اند. و در حال حاضر هیچ کنام از تعاونی های استان حاضر به تحویل گرفتن جو نیستند. لذا هم اکنون جو فراوان در انبار کشاورزان وجود دارد که نمی داندن با آن چکار کنند از یک طرف نگه داشتن برای چند ماه دیگر مقرون به صرفه نیست چون پارسال قیمت جو از حدود ۴۰۰۰ ریال به دیگر موارد از خارج طی مدت کوتاهی به ۲۰۰۰ ریال کاهش یافت و کشاورزان را متضرر ساخت.لذا از مسئولان استانی تقاضای می شود هرچه زودتر این معضل کشاورزان را مرتفع نمایند و یا اگر در حال اقدام هستند آن را در جراید استانی اعلام نمایند تا کشاورزان از این نگرانی بیرون آیند.

پادربزرگ ها و آدمهای قدیمی تعریف می کنند در زمان نه چندان دور دشت های وسیعی از صحرا زیر کشت پنبه می رفت صحرا هنگام برداشت پنبه مثل برف سفید می شد و به قولی طلای سفید سراسر منطقه و سفیدپوش می کرد و زیبایی خاصی به دشت می داد. اما چندین سال است کمتر کشاورزی میل و رغبت به کاشت پنبه دارد. مسئولان دلسوز و محترم استان ننگارید جو نیز سرنوشتی همچون پنبه پیدا کند.همانطور که به گندم به عنوان محصول استراتژیک اهمیت داده می شود جو نیز از این امر جدا نباشد و به آن ارزش و بها داده شود. چون همانطور که میداند زمین های بسیاری در استان به صورت دیم کشت می شود و تنها محصولی که در آن می توان کاشت جو می

✽ **حامد دلچیه**